

تبیین مسئولیت مدنی سبب و مباشر جنایت در حقوق کیفری ایران با تکیه بر تحوّلات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

نیوشا قهرمانی افشار^۱، علی جان نثارکهنه شهری^۲

دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۹ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۸

چکیده

مسئولیت به مفهوم اعم در حقوق دلالت بر پاسخگویی شخص در قبال اعمالی دارد که عرفاً به وی انتساب داده شده است. هرچند هدف مسئولیت مدنی، التزام شخص به جبران خسارت از متضرر و هدف مسئولیت کیفری، اعمال کیفر بر مرتکب در راستای حفظ و اعاده نظم عمومی جامعه است، لکن بین این دو مفهوم به ظاهر متفاوت اشتراکات موضوعی زیادی وجود دارد. منشأ ثبوت مسئولیت مدنی بر ذمه دیگری از حکم قانون گذار نشأت می گیرد. لکن برای ثبوت این مسئولیت که بر عهده کسی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مرتکب جرم و یا باعث ورود ضرر و زیان به دیگری شده، نیازمند احراز ارکان و شرایطی است که در قوانین موضوعه اعم از مدنی و جزایی پیش‌بینی گردیده است. در این مطالعه به تبیین ارکان مسئولیت مدنی سبب و مباشر در جنایت با در نظر داشتن تحوّلات صورت گرفته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بررسی تعارض‌های موجود بین قوانین مدنی و کیفری در برخی موارد و همچنین به ارائه راهکار جهت برون رفت از این تعارض در جهت شکل‌گیری رویه قضایی واحد پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: مسئولیت مدنی، سبب، مباشر، اجتماع سبب و مباشر، قانون گذار.

^۱ عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

^۲ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه سراسر تبریز - دادیار دادرسی عمومی و انقلاب ارومیه

۱. مقدمه

مسئولیت عبارت است از پاسخگویی شخص در قبال اعمالی که عرفاً به او استناد داده می‌شود و ضمانت‌نامه قانونی آن برحسب نوع مسئولیت متفاوت است، مثلاً مسئولیت در امور کیفری عبارت از تحمل مجازات قانونی مترتب بر جرم است؛ لکن مسئولیت در امور مدنی التزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زیانی که در نتیجه عمل مستند به او به دیگری وارد شده است، است (باریکلو، ۱۳۹۶: ۲۴).

مباحث مسئولیت مدنی نوعی پیوند میان رشته‌ها و شاخه‌های علم حقوق به‌ویژه حقوق جزا است. هرچند پیوند این گرایش با موضوعات حقوق کیفری دلایل گوناگونی می‌تواند داشته باشد، لکن مهم‌ترین وجهی که این دوشاخه از دانش حقوق را به هم نزدیک می‌گرداند به ماهیت مجازات دیه و منشأ غیر قراردادی بودن این دو گرایش برمی‌گردد. طبق ماده ۱۴ قانون‌گذار اسلامی، دیه در زمره یکی از مجازات قرار گرفته است که با ارتکاب جنایت بر ذمه جانی ثابت می‌گردد و از طرفی حسب ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، احکام و آثار مسئولیت مدنی بر دیه حاکم دانسته شده است و باعث شکل‌گیری این دیدگاه گردیده که دیه، یک‌نهاد تأسیسی مستقلی بوده که همزمان دارای ویژگی‌هایی از مجازات و کیفر و ویژگی‌هایی از غرامت و جبران خسارت است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۲۱۳-۲۱۴).

از طرفی منشأ طرح مسئولیت هم در حقوق کیفری ماهوی و هم در مباحث مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قراردادهایی است که بدون وجود قرارداد و تراضی طرفین باعث ثبوت آثار آن می‌شود؛ به عبارت دیگر ایجاد تکلیف در هر دو مورد در نتیجه امر مشروع یا نامشروعی است، بدون اینکه قرارداد صحیحی در میان باشد (صفایی، ۱۳۹۶: ۷).

این دو گرایش از علم حقوق با وجود اشتراکات بیان‌شده، واجد تفاوت‌هایی است که اهم آن به هدف، وسیله جبران و ارکان ثبوت مسئولیت برمی‌گردد. به‌طوری‌که هدف از مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان‌دیده است، درحالی‌که مجازات در واقع واکنش یا دفاعی است که جامعه از خود در برابر مجرمان نشان می‌دهد و به همین جهت نیز هدف در اجرای مجازات نمی‌تواند به حفظ حقوق خصوصی محدود باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۶).

از طرف دیگر در مسئولیت مدنی جبران ضرر و زیان وارده بر متضرر، از دو طریق کلی صورت می‌پذیرد که عبارت است از: جبران عینی (اعاده وضع سابق) و دادن معادل نقدی یا غیر نقدی (پیشین، ۲۴۶) لکن در امور جزایی، جبران خسارت حاصله از جرم باهدف اصلی حفظ و برقراری نظم اجتماعی، ارباب و سزا دهی مرتکب جرم، از دریچه اعمال کیفر که واجد صبغه رنج‌آوری و ترذیلی است صورت می‌گیرد (اردبیلی، ۹۷: ۳۰) و به لحاظ تهدیدی که نسبت به حقوق و آزادی‌های افراد جامعه روا می‌دارد تابع دو اصل مهم قانونی بودن مجازات و تساوی مجازات است (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۷۳). هرچند هدف از اعمال مجازات ممکن است تشقی خاطر بزه دیده یا بازماندگان او و به منظور اقلان احساس رنجشی که در آنان ایجاد شده است باشد (حیدری، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ لکن این هدف جزء اهداف فرعی اعمال کیفر است.

در نهایت آخرین تفاوت، در ثبوت ارکان مسئولیت مدنی و کیفری ناشی می‌شود به طوری که در مسئولیت مدنی با احراز سه شرط شامل: عنصر ضرر، وجود فعل و عمل. زیان بار و نیز احراز رابطه سببیت بین عمل زیان بار و ضرر وارده حکم به ثبوت مسئولیت داده خواهد شد (باریکلو، پیشین: ۶۸). لکن ثبوت ارکان مسئولیت کیفری فرع بر آن است که شخص مرتکب، واجد اهلیت کیفری باشد (مصدق، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

به طوری که حسب ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی بایستی فرد در زمان ارتکاب رفتار مجرمانه عاقل، بالغ و مختار باشد که البته بنا بر دلیل بیان شده مبنی بر اینکه مقنن دیه را صرف مجازات محسوب نکرده، احراز ارکان مسئولیت مدنی در ثبوت دیه کافی خواهد بود. مرتکب ممکن است به صورت مباشر و به طور مستقیم و یا به صورت سبب و به طور غیرمستقیم در حصول نتیجه مجرمانه نقش داشته باشد و یا ممکن است تحقق جنایت معلول اجتماع سبب و مباشر جرم و یا اجتماع چندین سبب باشد که در تمام موارد رابطه استناد بین رفتار مرتکب یا مرتکبین جنایت با نتیجه حاصله، برقرار است؛ لکن تفاوت‌هایی در این موارد از حیث نحوه دخالت و شرایط ثبوت مسئولیت بر ذمه مرتکب یا مرتکبین وجود دارد که در ادامه با لحاظ ضوابط و معیارهای ارائه شده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به بررسی شرایط ثبوت مسئولیت کیفری در هر یک از این موارد خواهیم پرداخت.

۲. تبیین مفهوم مباشر و سبب در ارتکاب جرم

چنانچه "عمل مرتکب علت تامه نتیجه مجرمانه و یا جزء اخیر علت تامه باشد چنین کسی را مباشر جرم گویند" (آقایی نیا، ۱۳۹۵: ۷۰). مقنن در ماده ۴۹۴ ق.م.ا اشعار می‌دارد: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود».

هرچند این ماده قانونی در فصل ششم از بخش اول از کتاب چهارم ق.م.ا مربوط به "دیات" بیان گردیده است لیکن به نظر می‌رسد این ماده در مقام بیان ضابطه مباشرت در ارتکاب جرائم به‌طور کلی است و از این حیث نمی‌توان قائل بر انحصار در عنوان فصل بود. حسب ماده فوق تعریف زیر از عنوان مباشرت در ارتکاب جرم حاصل می‌گردد: "مباشر کسی است رفتار مادی و حالت روانی او با توصیف قانونی جرم مطابقت دارد" (اردبیلی، پیشین: ۳۴)؛ بنابراین اگر انسانی که واجد اراده و ادراک است خود مستقیماً رکن مادی و معنوی را مرتکب شود می‌توان وی را مباشر جرم نامید.

شایان ذکر است در این خصوص باید عنایت داشت که هرچند در ماده فوق از عبارت ارتکاب جرم به‌صورت "مستقیم" استفاده شده است، لیکن مقصود مقنن این نیست که ضرورتاً ارتکاب جرم یا جنایت بایستی از جانب مرتکب جرم بدون به کار بردن وسیله یا آلتی باشد؛ بلکه منظور آن است که ارتکاب جرم یا جنایت "بدون واسطه عرفی" شکل بگیرد؛

بنابراین فردی که برای ارتکاب تخریب خودروی دیگری از سنگ استفاده می‌کند، یا فردی که مرتکب قتل دیگری می‌شود از چاقو استفاده می‌کند و یا فردی که با خودروی خود مرتکب جرم آدم‌ربایی می‌شود، همگی تداعی‌کننده مفهوم قانونی مباشرت در ارتکاب جرم خواهند بود، چراکه عرف آن چنان اراده و قدرت مرتکب جرم را در این فروض حاکم می‌داند که این وسایل و ابزار را نادیده می‌انگارد و به عبارتی عرف از این واسطه چشم‌پوشی می‌کند.

فلذا می‌توان گفت مباشرت "نزدیک‌ترین علت عرفی تحقق جرم" تلقی می‌شود به‌طوری‌که عرفاً رابطه استناد و انتساب جرم به عامل به حدی قوی است که هرگونه تردید در آن را منتفی می‌سازد. پس هرگاه واسطه‌ای در ارتکاب جرم باشد و عرف آن واسطه را به‌عنوان علت مستقل محسوب ننماید، خللی بر صدق عنوان مباشرت مرتکب در ارتکاب جرم وارد نخواهد ساخت، لیکن اگر عرف آن واسطه را علت مستقل و قوی‌تر

از مباشر محسوب نماید مباشرت مرتکب در ارتکاب جرم منتفی خواهد بود؛ بنابراین آنچه ضابطه مباشرت است صدق انتساب عرفی جرم یا جنایت به مرتکب است. یکی دیگر از طرق دخالت در تحقق جرم سبب بودن نقش مرتکب در تکوین جرم است. "سبب عاملی است که از عدم آن عدم وقوع تلف و جنایت لازم آید، لکن به وجود آن نیز وجود جنایت لازم نمی‌آید، بنابراین گرچه آن عامل علت جنایت نیست، اما مؤثر در وقوع آن است" (صادقی، ۱۳۹۴: ۸۵). همچنین گفته شده است که "هر چیز که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید، ولی از عدمش عدم دیگری لازم بیاید، سبب است" (محقق داماد، ۱۳۹۶: ۱۵۳).

ماده ۵۰۶ ق.م.ا در خصوص تعریف سبب در جنایت اشعار می‌دارد: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

مجدداً یادآور می‌شود که مقنن همانند بیان تعریف مباشرت در جرم درصدد ارائه ضابطه و مبنا است؛ فلذا نمی‌توان به صرف آنکه ماده اشعاری در فصل مربوط به دیات بیان شده است، قائل بر این نظر بود که حالت تسبیب صرفاً در جنایات قابل تحقق است، بلکه این ضابطه عام و کلی بوده و قابلیت انطباق با سایر جرائم ولو تعزیری را نیز دارد. علی‌الاحتمال با در نظر داشتن تعاریف قانونی مندرج در مواد ۴۹۴ و ۵۰۶ ق.م.ا شباهت و تفاوت‌ها بین مباشرت در ارتکاب جرم و تسبیب در ارتکاب جرم قابل اصطیاد است:

در خصوص شباهت بین مباشرت و تسبیب در ارتکاب جرم باید گفت که هر دو حالت از طرق مداخله مجرم در ارتکاب جرم محسوب می‌شود، به عبارت دیگر کسی که با استفاده از پرندۀ دست‌آموز خود مرتکب سرقت از مغازه‌ای می‌شود (سبب) همان‌قدر سارق محسوب می‌شود که خودش با حضور در مغازه به صورت فیزیکی مبادرت به ربایش مالی می‌کند و به این موضوع در ماده ۴۹۲ ق.م.ا نیز تصریح شده است. بدین شرح که «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود»؛ بنابراین آنچه از دید مقنن برای احراز مسئولیت مرتکب جرم یا جنایت لازم و کافی است "استناد نتیجه مجرمانه به رفتار مجرم است" فارغ از اینکه نحوه مداخله

مجرم در ارتکاب جرم یا جنایت به شکل مباشرت باشد یا سبب. اما علی‌رغم وجود شباهت بیان‌شده مبنی بر اینکه در هر دو حالت مرتکب جرم در فرض انتساب نتیجه حاصله به رفتار مجرمانه خویش مسئولیت کیفری دارد، دو تفاوت اساسی و بنیادین بین مباشرت و تسبیب در ارتکاب جرم وجود دارد.

تفاوت اول که با ملاحظه متن دو ماده قانونی به دست می‌آید، آن است که مباشر به صورت مستقیم و بدون "واسطه عرفی" مرتکب جرم می‌شود، اما سبب، حالت دخالت مستقیم و بدون واسطه عرفی در ارتکاب جرم ندارد، بلکه به نحو غیرمستقیم و با واسطه عرفی تحقق جرم را رقم می‌زند. مثلاً کارفرمایی با عدم رعایت مقررات حفاظتی و ایمنی حین کار باعث می‌شود، کارگر کارگاهش دچار صدمه شود که در این فرض با عنایت به عدم دخالت مستقیم و بالمباشره کارفرما در تحقق صدمه بدنی، نامبرده بالتسبیب در حصول نتیجه مجرمانه نقش داشته است. پس به طور قطع می‌توان اذعان داشت که سبب رابطه غیرمستقیم با تحقق جرم است اما رابطه انتساب عرفی بین جرم تحقق یافته با رفتار با واسطه مرتکب همچنان برقرار است.

تفاوت دومی که می‌توان از آن سخن گفت آن است که شرط ضمان و مسئولیت در مباشر منوط به احراز تقصیر مباشر نیست و همین که مباشر واجد شرایط مسئولیت کیفری مرتکب عنصر مادی و روانی جرمی شود، برای ثبوت مسئولیت وی کافی است؛ اما در تسبیب در ارتکاب جرم "مسئولیت مبتنی بر تقصیر" وجود دارد که با در نظر داشتن مواد ۹۵۱، ۹۵۲ و ۹۵۳ ق.م می‌توان گفت تقصیر اعم از تعدی (مثل بی احتیاطی) و تفریط (مثل بی‌مبالاتی) است و این موضوع از مواد قانونی متعدد در قانون مجازات اسلامی نیز قابل برداشت است. مثلاً در مواد ۵۱۱، ۵۱۲ یا ۵۲۱ ق.م.ا حسب مورد مسئولیت کسی که در محلی مبادرت به استقرار وسیله یا شیئی نموده است یا در ملک خویش آتشی روشن کرده است و سبب آسیب و صدمه به دیگری شده است، منوط به احراز تقصیر مرتکب دانسته شده است؛ در غیراینصورت صدور حکم به مسئولیت مسبب در ارتکاب جرم بلاوجه خواهد بود.

پس از بیان مفهوم مباشر و سبب در ارتکاب جرم، به شرح نحوه ثبوت مسئولیت در وضعیتی پرداخته می‌شود که تحقق جرم، محصول اجتماع سبب و مباشر و یا محصول اجتماع چندین سبب در تحقق نتیجه مجرمانه باشد.

۳. اجتماع سبب و مباشر در ارتکاب جرم

این فرض تداعی کننده حالتی است که سبب و مباشر مجتمعاً باعث ارتکاب جرم می شوند. مثلاً پزشکی به پرستاری دستور تجویز آمپولی را به بیمار می دهد و پس از تزریق آمپول معلوم می شود که سمی بوده و باعث مرگ بیمار می شود، حال با عنایت به اینکه در فرض سوال پزشک به عنوان سبب و پرستار به عنوان مباشر در ارتکاب جرم دخیل هستند، کدامیک و به چه میزان مسئول نتیجه حاصل از رفتار مجرمانه خویش خواهند بود؟

در خصوص نحوه و میزان مسئولیت در فرض اجتماع سبب با مباشر با دو ماده قانونی به ظاهر متعارض مواجه هستیم، چراکه ماده ۳۳۲ قانون مدنی که دارای مضمون واحدی با ماده ۳۶۳ ق.م.ا. ۱۳۷۰ سابق دارد، در فصل مربوط به ضمان قهری اشعار می دارد: «هرگاه یک نفر سبب تلف شدن مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود، مباشر مسئول است نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد» و ماده ۵۲۶ ق.م.ا. نیز اشعار می دارد: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشد؛ مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است».

همان طور که مشاهده می گردد در هر دو ماده قانونی مواجه با اصل و استثنائاتی هستیم، به نحوی که در قانون مدنی در فرض اجتماع سبب با مباشر، اصل بر مسئولیت مباشر دانسته شده است، لیکن در قانون مجازات اسلامی در فرض اجتماع سبب با مباشر بدون ارائه ضابطه و مبنایی بیان شده است، عاملی مسئول است که جنایت مستند به آن باشد. در این راستا برخی قائل بر نسخ ضمنی ماده ۳۳۲ ق.م. توسط ماده ۵۲۶ ق.م.ا. شده اند (بیات، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

لکن به نظر می رسد از باب عمل به قاعده "الجمع مهمما امکن اولی من الطرح" و با عنایت به اینکه یکی از شرایط ناسخ و منسوخ بودن، وحدت موضوع بین دو دلیل (در اینجا دو ماده قانونی) است، باید اذعان داشت با توجه به تعدد موضوع مطروحه در این فرض، در

بحث خسارات فاقد جنبه جزایی همچنان در فرض اجتماع سبب با مباشر تابع احکام ماده ۳۳۲ ق.م.ا در بحث جرائم و جنایات در فرض اجتماع سبب با مباشر تابع احکام ماده ۵۲۶ ق.م.ا خواهیم بود.

فلذا با در نظر داشتن ماده ۵۲۶ ق.م.ا در فرض اجتماع سبب با مباشر در ارتکاب جرم، نحوه تحقق و توزیع مسئولیت نیازمند ارائه تفکیک زیر خواهد بود:

۳-۱ اقوی بودن مباشر از سبب

هرچند صدر ماده ۵۲۶ در این خصوص نیز قائل بر ضمان مطلق مباشر نیست و به ذکر این امر بدیهی اکتفا کرده است که «عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است» لیکن ضوابط عرفی و قانونی در این فرض حکایت از آن دارد که مباشر اقوی را مطلقاً ضامن بدانیم، چراکه در فرض اقوی بودن مباشر از سبب، سبب واجد ضعف اراده و فاقد شرایط عامه مسئولیت کیفری است، اما در مباشر ارکان مادی و روانی جرم و شرایط مسئولیت کیفری جمع است؛ بنابراین انتساب جرم به مباشر حاکی از ثبوت مسئولیت وی خواهد بود.

۳-۲ اقوی بودن سبب از مباشر

برعکس فرض اول هرگاه در اجتماع سبب و مباشر، مباشر واجد ضعف نفس یا فاقد شرایط مسئولیت کیفری باشد، جرم ارتكابی منتسب به سبب خواهد بود و نامبرده ضامن آثار فعل مباشر خواهد بود. مصادیق این موارد به صورت تمثیلی در انتهای ماده ۵۲۶ ق.م.ا بیان گردیده است و آن زمانی است که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد. مثلاً شهود در مورد ارتکاب قتل عمد، علیه کسی شهادت دروغ دهند و ولی دم که نمی داند شهادت کذب است، قاتل را قصاص کند و سپس کذب شهود روشن شود. در این فرض اولیای مقتول حق قصاص نفس شهود را خواهند داشت (حاجی.ده.آبادی، ۲۵۱: ۱۳۹۶) چراکه جهل مباشر مانع انتساب قتل به رفتار آنان است.

شایان ذکر است قسمت اخیر ماده ۵۲۶ ق.م.ا را نباید حمل بر موارد مطلق کرد و قائل بر این دیدگاه بود که در اجتماع سبب و مباشری که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل،

صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن است مطلقاً سبب اقوی ضامن خواهد بود. بلکه این قسمت از ماده را بایستی تقیید به مواردی کرد که رابطه استناد بین رفتار سبب و جنایت حاصله وجود داشته باشد.

پس "اگر فردی که پدرش کشته شده به دوستش مراجعه کند و از او بخواهد که اسلحه‌اش را در اختیارش بگذارد تا الف را که قاتل پدرش است بکشد و دارنده اسلحه با وجودی که می‌داند الف قاتل پدر دوستش نیست او را از جهلش مطلع نگرداند و اسلحه را به او بدهد، نمی‌توان جنایت را به مالک اسلحه مستند دانست و او را مسئول حادثه قلمداد کرد" (حاجی. ده. آبادی، ۱۳۹۸: ۱۳۰)؛ بنابراین ثبوت مسئولیت بر ذمه سبب اقوی فرع بر احراز رابطه استناد و انتساب حاصله با رفتار وی خواهد بود.

۳-۳ تساوی سبب و مباشر

در خصوص انتساب جرم به رفتار مجرمانه هر دو عامل یعنی سبب و مباشر و انتساب جرم آن‌ها بایستی به شرح زیر قائل به تفکیک شد:

۳-۳-۱: اجتماع سبب و مباشر در حصول نتیجه مجرمانه و استناد عرفی جرم به هر دو عامل و تأثیر یکسان یا عدم امکان تعیین میزان تأثیر عوامل در تحقق نتیجه

در این صورت هر کدام از سبب و مباشر بالسویه مسئولیت دارند مثلاً هرگاه دو مباشر و دو سبب باعث ارتکاب جنایت شوند و جنایت مستند به رفتار همگی باشد بدون آنکه تأثیر متفاوتی در تحقق نتیجه وجود داشته باشد هر کدام به میزان یک چهارم ضامن خواهند بود.

۳-۳-۲: اجتماع سبب و مباشر در حصول نتیجه مجرمانه و استناد عرفی جرم به هر دو عامل با وجود تفاوت در میزان تأثیر از سوی هر عامل

در این حالت مقنن قائل بر ضمان نسبی شده است به طوری که هر یک از سبب و مباشر به میزان تأثیری که در ارتکاب جرم داشته ضامن خواهند بود. نکته مهمی که در این خصوص باید به آن اعتناء نمود آن است که حسب دیدگاه مقنن در این فرض مبنای توزیع ضمان نسبی و سهمی هر یک از عوامل بر اساس "میزان تأثیر" آن عامل در

حصول نتیجه مجرمانه خواهد بود نه بر اساس "میزان تقصیر" هر یک از عوامل دخیل در تحقق جرم؛ بنابراین از آنجایی که تعیین عوامل و میزان تأثیر آن‌ها در تحقق جرم امری فنی و تخصصی است فلذا مقام قضایی در صدور قرار کارشناسی بایستی از کارشناس مربوطه، میزان تأثیر هر یک از عوامل در تحقق جرم را درخواست نماید و کاری به میزان تقصیر آن عامل در تحقق جرم نخواهیم داشت.

فلذا ممکن است میزان تقصیر عاملی (اعم از مباشر یا سبب) کمتر یا بیشتر از میزان تأثیر آن در تحقق جرم باشد که ملاک برای میزان مسئولیت سهمی و نسبی میزان تأثیر آن عامل خواهد بود و اگر نظریه کارشناسی مطابق با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه باشد حسب ماده ۱۶۶ ق.آ.د.ک بر اساس آن نظریه حکم به میزان مسئولیت هر یک از مباشر و سبب صادر خواهد شد.

بنابراین می‌توان گفت ماده ۵۲۶ ق.م.ا در بحث جنایات سه تغییر اساسی نسبت به قوانین سابق ایجاد کرده است که شامل: حذف اصل استناد جنایت به مباشر، امکان استناد همزمان جنایت به سبب و مباشر و پذیرش ضمان سهمی یا توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار سبب و مباشر در جرم است (همان: ۱۱۳).

۳-۴: شک در استناد تلف به مباشر و سبب جرم

در این وضعیت جنایتی رخ داده است که قوت سبب و مباشر، یا تساوی در تأثیر سبب و مباشر و هرگونه ادعای مختلف در این خصوص بر مقام قضایی پوشیده است. به نظر می‌رسد در این وضعیت قائل بر اصل کلی ضمان مساوی و تنصیف دیه فی مابین سبب و مباشر باشیم. ماده ۴۷۹ ق.م.ا می‌تواند مستند برداشت در این زمینه باشد. حسب ماده فوق: «هرگاه کسی در اثر رفتار عده‌ای کشته یا مصدوم شود و جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آن‌ها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به طور مساوی بپردازند» (همان: ۱۲۰). در مانحن فیه نیز برای مقام قضایی علم قطعی در انتساب جنایت حاصله به یکی از دو عامل یعنی سبب یا مباشر وجود دارد لکن محتمل است که نتیجه منتسب به اجتماع سبب و مباشر باشد.

۴. اجتماع اسباب متعدد در ارتکاب جرم

این فرض تداعی کننده حالتی است که جرم محصول اجتماع و دخالت چند سبب به طور غیرمستقیم باشد. به طور مثال سرویس اتوبوس مدرسه‌ای در فصل زمستان با سوار کردن دانش آموزان بیش از حد ظرفیت مجاز سرویس در حین رساندن دانش آموزان به مدرسه بر اثر لغزنده بودن خیابان و عمل نکردن سیستم ترمز با خودرویی تصادف می‌نماید و چند نفر از دانش آموزان فوت می‌کنند که علت تصادف از سوی کارشناس فنی تصادفات پلیس راهور سوار کردن بیش از حد ظرفیت خودرو، عدم انجام تکلیف شهرداری مبنی بر برف‌روبی معابر و خیابان‌ها، تخطی از سرعت مجاز توسط خودروی مقابل و نقص فنی سیستم ترمز اتوبوس منتسب به سازنده آن خودرو اعلام می‌گردد. حال سوال این است در فرض اجتماع سبب مختلف در تحقق حادثه مجرمانه کدام یک از اسباب مسئولیت دارد؟ میزان مسئولیت هر یک از اسباب بر چه ضابطه‌ای تعیین خواهد شد؟ آیا در فرض اجتماع اسباب هم می‌توان همانند بحث اجتماع سبب و مباشر قائل بر ضمان نسبی و سهمی بر اساس میزان تأثیر اسباب شد؟

به عنوان مقدمه این بحث باید گفت که با در نظر داشتن مواد قانونی ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۶ و ۵۳۷ از ق.م.ا که فروض مختلف اجتماع اسباب را بیان می‌دارد و در قانون مدنی حکم و مقرره خاصی در این خصوص نیامده است (برعکس فرض اجتماع سبب با مباشر) فلذا احکام مربوطه، قابل تسری به بحث خسارات فاقد جنبه جزایی هم خواهد بود؛ بنابراین در فرض اجتماع اسباب چه در بحث جنایات و چه در بحث خسارات تابع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خواهیم بود. با توجه به اینکه اجتماع اسباب در تحقق جرم به دو شیوه مختلف می‌تواند محقق شود و مقنن نیز با درک این پیام در خصوص میزان مسئولیت در هر حالت به طور مختلف قائل به تفکیک شده است، تفکیک زیر مبنی بر نحوه دخالت و میزان مسئولیت در فرض اجتماع اسباب ارائه می‌گردد:

۴-۱ اجتماع اسباب متعدد در عرض هم

در این حالت هر یک از اسباب مستقل از سبب دیگر و بدون دخالت سایر اسباب در وقوع جرم تأثیر هم‌زمان خود را دارد (رنجبر، ۱۳۹۵: ۴۲) و در واقع تأثیر یک سبب متوقف بر تأثیر سبب دیگری نیست. به عنوان مثال هرگاه چهار نفر در جلسه دادرسی با

شهادت کذب علیه فردی بیان دارند که نامبرده با سلب امنیت مردم مرتکب راهزنی با تجرید سلاح شده است و پس از صدور حکم و اجرای اعدام علیه آن فرد اثبات شود که شهادت گواهان کذب بوده، فرض اجتماع اسباب به نحو عرضی محقق می‌شود، چراکه اولاً نامبردگان به عنوان سبب در تحقق جرم دخالت داشته‌اند و نه به صورت مباشرت، ثانیاً دخالت اسباب به نحو عرضی بوده، چراکه اثر شهادت کذب هر یک از گواهان با تقارن و وحدت زمانی و مستقل از دیگری باعث صدور حکم اعدام فرد شده است و یا در مثال تصادفات اگر دو خودرو با تخطی از مقررات راهنمایی و رانندگی باهم دیگر برخورد نمایند و هر دو راننده فوت شود، حالت اجتماع اسباب به نحو عرضی پیش می‌آید. چراکه دخالت هر سبب متوقف بر دخالت سبب دیگر نبوده و به طور همزمان تصادف رخ داده است و نمی‌توان گفت کدام خودرو ابتدا به دیگری برخورد کرده است.

پس در اجتماع اسباب به شکل عرضی عرفاً با وحدت و تقارن زمانی مواجه هستیم. در خصوص نحوه مسئولیت هر سبب در حالت اجتماع عرضی که تداعی کننده حالت شرکت در جرم نیز است ماده ۵۳۳ ق.م.ا اشعار می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند» و همچنین ماده ۴۵۳ ق.م.ا نیز بیان می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هر یک از شرکا یا عاقله آن‌ها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است».

بنابراین مشاهده می‌گردد در اجتماع اسباب عرضی مقنن بر حسب صدق استناد عرفی جرم به هر سبب قائل به مسئولیت اشتراکی و مساوی بین اسباب شده است مثلاً در بحث تصادفات حسب ماده ۵۲۸ ق.م.ا: «...در صورتی که انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه باهم برخورد کنند، هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه است و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود...». شایان ذکر است تحقق شرکت در جرم به معنی ثبوت کیفر واحد (قصاص یا دیه) بر عهده اسباب دخیل در جنایت نیست و مجازات هر سبب بستگی به عمدی یا غیرعمدی رکن. روانی تحقق یافته خواهد بود (مصدق، ۲۶۵: ۱۳۹۷).

پاسخ به سوال اساسی که در ابتدای بحث نیز مطرح شد اهمیت بحث مطروحه را دوچندان می‌کند و آن اینکه هرچند مقنن اصل را بر تساوی مسئولیت اسباب گذاشته است اما آیا امکان توزیع مسئولیت و ضمان سهمی بر اساس میزان درصد تأثیر هر یک از اسباب در این حالت هم همانند حالت اجتماع سبب و مباشر امکان‌پذیر است یا خیر؟ در این خصوص رویه قضایی و دکترین، قائل بر پاسخ واحدی نیستند.

برخی از نویسندگان با این استدلال که تقسیم مسئولیت بر اساس میزان مداخله یا تأثیر عمل عادلانه و منطقی است، در این حالت نیز قائل بر توزیع مسئولیت بر اساس میزان تأثیر اسباب هستند و معتقدند اصل بر تقسیم مسئولیت به‌طور مساوی است، مگر اینکه ثابت شود که فعل یا تقصیر یکی از افراد بیشتر یا کمتر از دیگری مؤثر بوده است و ماده ۵۲۶ ق.م.ا را حاکم بر سایر مواد قانونی می‌دانند (صفایی، پیشین: ۲۳۷)؛ لیکن به نظر می‌رسد بنا بر دلایل زیر این نظر قابلیت پذیرش را ندارد:

اولاً ماده ۵۲۶ ق.م.ا ناظر بر حالت اجتماع سبب با مباشر در ارتکاب جرم است و ماده ۵۳۳ ق.م.ا ناظر بر حالت اجتماع اسباب عرضی است و مواجهه با موضوع واحدی نیست تا حکم یکسان یکی را بر دیگری تسری داده و اگر غرض مقنن بر امکان توزیع مسئولیت برحسب میزان تأثیر اسباب بوده می‌توانست در ماده ۵۳۳ نیز همانند ماده ۵۲۶ به آن تصریح نماید؛ بنابراین مقنن در مقام بیان، تصریح به این موضوع نکرده است.

ثانیاً در جریان تصویب لایحه قانون مجازات اسلامی و ارسال آن به شورای نگهبان در ذیل ماده فعلی ۵۳۳ ق.م.ا (که ماده ۵۳۷ لایحه بود) تصریح شده بود که اگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد، در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول خواهند بود لکن شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۰۹ این قسمت از لایحه را خلاف شرع اعلام نمود؛ بنابراین از آنجایی که نظریه شورای نگهبان می‌تواند منبعی برای تفسیر قانونی در فرض ابهام یا اجمال باشد. با اتکاء بر نظریهٔ اصداری فوق نمی‌توان در فرض اجتماع عرضی اسباب قائل به ضمان نسبی بر اساس میزان تأثیر رفتار شد.

ثالثاً در زمان حاکمیت ق.م.ا سابق و در سال ۱۳۹۰ رأی وحدت رویه ۷۱۷ از هیئت عمومی دیوان عالی کشور صادر شد که ناظر بر اختلاف دادگاه‌ها در امکان یا عدم امکان درصدگیری در حوادث رانندگی و تصادفات بر اساس میزان تأثیر رفتار رانندگان بود که در نهایت اشعار داشت «برحسب مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه

برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آنها گردد، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر - به هر میزان که باشد به نحو تساوی خواهد بود...» و این رأی وحدت رویه با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ به صورت ماده قانونی (ماده ۵۲۸) درآمده است و لازم الاتباع است و همان طور که پیش تر بیان شد، حوادث ناشی از رانندگی و تصادفات اجلی از مصداق اجتماع اسباب عرضی است؛ بنابراین دیدگاه مقنن در خصوص مسئولیت در فرض انتساب جرم به همه اسباب عرضی طبق ماده ۵۳۳ ق.م.ا. در هر حال "تساوی مسئولیت اسباب" است ولو تأثیر رفتار هر سبب کمتر یا بیشتر از سبب دیگری باشد.

۴-۲ اجتماع اسباب متعدد در طول هم

در این حالت بین دخالت اسباب متعدد در حصول نتیجه مجرمانه تقدم و تأخر زمانی وجود دارد؛ به طوری که اثر یک سبب بافاصله زمانی از اثر سبب دیگر حاصل شود؛ مثلاً اگر الف با سه نفر به کوهی برای تفریح بروند و نفر اول به آب شرب الف مایعی مسکر مخلوط کند و نفر دوم گودالی در زیر پای الف حفر کند و نفر سوم هم با ریختن مایعی مسیر تردد الف را لغزنده نماید و الف پس از خوردن آب دچار مستی و بی‌ارادگی شود و با راه رفتن بر روی مایع لغزنده پس از لیز خوردن در داخل گودال بیفتد و فوت شود خواهیم گفت جنایت محققه، حاصل اجتماع اسباب به نحو طولی بوده چراکه از حیث زمانی اثر هر سبب بافاصله زمانی اثر سبب دیگر رخ داده است. پس ملاک تفاوت اجتماع اسباب به نحو عرضی یا طولی وحدت زمانی یا افتراق زمانی تأثیر اسباب دخیل در ارتکاب جرم است.

حال با در نظر داشتن مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ ق.م.ا. که احکام و مقررات اجتماع اسباب طولی را بیان می‌دارد در خصوص نحوه و میزان مسئولیت هر سبب به نحو زیر قائل به تفکیک می‌شویم:

۴-۲-۱ اسباب همگی قاصد باشند

در این فرض قسمت اخیر ماده ۵۳۵ ق.م.ا اشعار می‌دارد: «... مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود»؛ بنابراین ملاحظه می‌شود وجود اگر همه اسباب خواهان تحقق نتیجه مجرمانه باشند و همگی واجد سوءنیت جازم بر ارتکاب رفتار مجرمانه داشته باشند مقنن همه اسباب طولی را به عنوان شریک جرم تلقی می‌نماید و از حیث چگونگی اعمال مجازات حسب مورد تابع مواد ۱۲۵ و ۳۶۸ الی ۳۷۴ ق.م.ا خواهیم بود و مجازات هر شریک مجازات فاعل مستقل جرم خواهد بود.

همچنین در این حالت مجاز یا غیرمجاز بودن ایجاد اسباب تأثیری در رفع مسئولیت نخواهد داشت؛ مثلاً اگر الف (مالک) در منزل خود چاهی حفر کند و ب (غیر مالک) کنار چاه را لغزنده کند و فردی را به قصد قتل به منزل دعوت نمایند و مجنی علیه با لیز خوردن داخل چاه بیفتد و مصدوم شود نظر به قاصد و عاقد بودن همگی اسباب، هر دو سبب (ولو مالکی که اقدامش تصرف در ملک خودش بوده) شریک در ارتکاب جرم خواهند بود و وجود سوءنیت مجرمانه فارغ از مجاز بودن یا غیرمجاز بودن ایجاد سبب، برای انتساب جرم و ثبوت ضمان کافی است.

۴-۲-۲: اسباب همگی غیر قاصد غیرمجاز باشند

بدین شرح که در این حالت هیچ کدام از سببها واجد قصد مجرمانه و سوءنیت جازم نیست و از طرفی ایجاد آن سبب به لحاظ خروج سبب از حدود اذن یا عرف یا اقدام خلاف مقررات قانونی یا هر نوع تعدی و تفریط غیرمجاز تلقی می‌شود. مثلاً اگر الف و ب شبانه جهت یافتن گنج قسمتی از ملک زراعی ج را حفاری کنند و بیل الف در کنار چاه کنده شده بماند و شب بعد مالک ملک جهت آبیاری در بدو ورود به ملک زراعی خویش با برخورد به بیل به چاه سقوط کند و مجروح شود خواهیم گفت اجتماع اسباب طولی به نحوی بوده که اسباب دخیل در ارتکاب جرم، غیر قاصد غیرمجاز بودند؛ چراکه هدف از کندن چاه نه قصد ارتکاب جرم علیه کسی بلکه هدف یافتن گنج بوده و از طرفی با توجه به اینکه تصرف بدون اذن مالک در ملک وی بوده ایجاد سبب (کندن چاه و گذاردن بیل) به نحو غیرمجاز بوده است. فلذا با شناخت این حالت از اجتماع طولی

اسباب این سوال ایجاد می‌شود که کدام سبب ضامن خواهد بود؟ مقنن در ماده ۵۳۵ ق.م.ا با وفاداری به دیدگاه فقهی مشهور بیان می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است...» بنابراین در این حالت خواهیم گفت "سبب مقدم در تأثیر" مسئولیت خواهد داشت یعنی سببی که "اثر" آن زودتر از سبب دیگر حاصل شده است ولو "ایجاد" آن سبب مقدم یا مؤخر از سبب دیگر باشد. مثلاً در فرض مثال بیان شده با توجه به اینکه با دو سبب شامل: ۱ چاه و ۲ بیل مواجه هستیم و مالک در بدو ورود به ملک زراعی خویش ابتدا پایش به بیل برخورد کرده و بعد درون چاه سقوط نموده است بنابراین در این مثال سببی که بیل را کنار چاه گذاشته است سبب مقدم در تأثیر است و تفاوتی نخواهد داشت گذاشتن بیل قبل، حین و یا بعد از کندن چاه بوده و آنچه در ثبوت مسئولیت نیازمند بررسی است صرفاً آن است که اثر کدام سبب زودتر بروز یافته است. به طور مثال اگر در این حالت پای مالک ابتدا به لبه چاه برخورد و بعد تعادلش را از دست دهد و سرش به لبه بیل خورده و دچار شکستگی شود در این فرض سبب مقدم در تأثیر حافر چاه خواهد بود چراکه زودتر از سبب دیگر (برخورد به بیل) اثر خود را نشان داده است.

۴-۲-۳: اسباب همگی غیر قاصد مجاز باشند

اشتراک این حالت باحالت قبلی در این است که در هر دو حالت اسباب طولی دخیل در ارتکاب جرم قصد و عمدی در تحقق نتیجه مجرمانه ندارند و وجه افتراق در آن است که در این حالت ایجاد و تکوین هر دو سبب به طور مجاز بوده مثلاً دو نفر مالک مشاع در ملکی باشند و یکی در حیاط منزل گودالی حفر کند و دیگری سنگی کنار چاه بگذارد و فردی پس از برخورد با سنگ داخل گودال پرتاب شود و مصدوم شود، حال آیا در این فرض مسئولیتی وجود خواهد داشت؟ در صورت مثبت بودن پاسخ مسئولیت متوجه کدام سبب مجاز خواهد بود؟

در خصوص نحوه ثبوت مسئولیت در فرض اجتماع اسباب طولی مجاز حکم صریحی در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ وجود ندارد لیکن ارائه پاسخ در فرض بیان شده نیازمند ارائه تفکیک

زیر است: (جان نثار کهنه. شهری، ۴۷: ۱۳۹۹).

۴-۲-۳-۱: حضور بزه دیده در محل غیرمجاز بوده

در حالتی که اجتماع اسباب مجاز توأم با حضور غیرمجاز و بدون اذن یا خلاف قانون بزه دیده در محل باشد، مسئولیتی متوجه هیچ‌یک از اسباب مجاز نخواهد بود چراکه اولاً دیدگاه مقنن در فرض ماده ۵۳۶ (اجتماع سبب مجاز با غیرمجاز است) عدم مسئولیت سبب مجاز است، پس به‌طریق اولی زمانی که دو سبب مجاز کنار هم باشند، مسئولیتی متوجه هیچ‌یک از اسباب مجاز نخواهد بود این برداشت از ماده ۵۰۸ ق.م.ا نیز قابل اصطیاد است که مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست...»؛

بنابراین در فرضی که اجتماع اسباب مجاز معاضد با غیرمجاز بودن اقدام شخص بزه دیده باشد حسب قاعده فقهی اقدام و نیز ماده ۵۳۷ ق.م.ا که اشعار می‌دارد: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد، لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست»؛ ضمانی متوجه اسباب مجاز نخواهد بود.

۴-۲-۳-۲: حضور بزه دیده در محل مجاز بوده

اگر اجتماع اسباب مجاز توأم با حضور مبتنی بر اذن یا مبتنی بر قانون بزه دیده در محل باشد از آنجایی که نامبرده تعدی و تفریطی نداشته است، دلیلی بر انتفای مسئولیت اسباب مجاز نیست. در این خصوص ادامه ماده ۵۰۸ ق.م.ا مقرر می‌دارد:

«هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد». پس با حضور مجاز بزه دیده در محل ارتکاب جرم صرف مجاز بودن سبب تأثیری در نفی ضمان ندارد اما از آنجایی که فرض ماده ۵۰۸ ق.م.ا ناظر بر وحدت

سبب مجاز است، همچنان ابهام در این خصوص باقی است که در فرض اجتماع اسباب مجاز توأم با حضور مجاز بزه دیده، کدام سبب و به چه میزان مسئولیت خواهد داشت؟ در این خصوص به نظر می‌رسد با القاء خصوصیت از عنوان اسباب غیرمجاز در ماده ۵۳۵ ق.م.ا و با توجه به اینکه در این ماده اجتماع اسباب با وصف غیرمجاز از باب غالب آمده است و طبق دیدگاه مشهور اصولیین وصفی که از باب غلبه بیاید مفهوم مخالف آن حجیت ندارد (قافی، ۱۶۶: ۱۳۹۶).

بنابراین در این فرض نیز اصولاً باید قائل بر مسئولیت "سبب مقدم در تأثیر" شد و هرکدام از سبب مجاز که زودتر از دیگری اثر کرده باشد، مسئولیت را متوجه او دانست. البته در یک فرض استثنائاً علی‌رغم حضور مجاز بزه دیده در محل، باید قائل بر انتفای ضمان از سبب مجاز شد و آن زمانی است که علی‌رغم وجود خطرات احتمالی در محل ارتکاب جرم، ایجادکننده سبب افراد دیگر را نسبت به وجود خطر احتمالی با نصب علائم هشداردهنده یا حفاظ ایمنی و تدابیر امنیتی کافی آگاه ساخته باشد که در این فرض به دلیل وجود هشدار لازم در محل، حسب قاعده تحذیر که حکایت از آن دارد که اگر کسی قبل از انجام دادن کاری هشدار دهد ولی شنونده به هشدار او توجه نکند و به علت آن کار جنایتی به وجود آید، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت؛ مسئولیتی متوجه اسباب مجاز نخواهد بود.

۴۲۴: اسباب غیر قاصد باشند لکن برخی مجاز و برخی غیرمجاز باشد

در این حالت نیز همانند حالت قبلی اسباب دخیل در ارتکاب جرم فاقد سوءنیت مجرمانه هستند، لیکن ایجاد برخی از اسباب به نحو مجاز بوده و برخی غیرمجاز. در این خصوص ماده ۵۳۶ ق.م.ا از حیث نحوه ثبوت مسئولیت بین اسباب یک اصل و یک استثناء را بیان می‌دارد بدین شرح که «هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد، مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند و مجاز نیست شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است».

بنابراین در این حالت سببی که ایجادش توأم با تعدی و تفریط بوده به عنوان "سبب مقصر و غیرمجاز" ضامن خواهد بود.

قانون‌گذار در ادامه همین ماده به عنوان استثنائی بر اصل مسئولیت سبب غیرمجاز و مقصر بیان می‌دارد: «اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است»؛ پس اگر در اجتماع اسباب غیر قاصد که یک سبب مجاز و دیگری غیرمجاز است اگر سبب دوم با اقدام سبب اول کم مخاطره را به سبب پرمخاطره تبدیل نماید و واقف به این عملش باشد، استثنائاً خواهیم گفت "سبب مؤخر در حدوث" ضامن است چراکه هرچند دو سبب قاصد و عامد در ارتکاب جرم نیستند و سبب مقدم بر پرخطر بودنش جاهل اما سبب مؤخر بر پرخطر شدن سبب مقدم عالم است.

مثلاً اگر فردی در حین خروج از مغازه میوه‌فروشی پوست موز را جلوی مغازه بی‌اندازد و مالک مغازه با دیدن این وضعیت در ورودی مغازه‌اش به‌طور نامتعارف سنگ بچیند و فردی پایش روی پوست موز برود و لیز بخورد و در داخل مغازه سرش به سنگ‌های چیده شده برخورد نماید و فوت کند، هرچند اقدام مالک در چیدن سنگ‌ها در مغازه خویش مجاز بوده و انداختن پوست موز در معبر عمومی غیرمجاز بوده اما صرف وجود پوست موز نمی‌توانست باعث صدمه و فوت کسی شود و از آنجایی که اقدام مالک به‌صورت آگاهانه، سبب مقدم کم مخاطره را به سبب پرمخاطره تبدیل کرده است بنابراین به‌عنوان سبب مؤخر در حدوث ضامن است.

این دیدگاه مقنن مبنی بر مسئول دانستن سبب مؤخر در وجود به دلیل علم و توجه وی به اینکه اقدام سبب اول را پرخطر می‌کند مطابق با عدالت و انصاف قضایی است و به همین دلیل است که برخی به‌درستی معتقدند این استثناء صرفاً منحصر در حالت اجتماع طولی اسباب که برخی مجاز و برخی غیرمجاز باشد، نیست بلکه در حالت قبلی نیز (اجتماع اسباب غیر عامد غیرمجاز) قابل تسری است (میرمحمد صادقی، پیشین: ۵۹)؛ به عبارت دیگر هرچند در حالت اجتماع اسباب غیرمجاز نیز اصل بر مسئولیت سبب مقدم در تأثیر است، اما اگر در این فرض هم سبب مؤخر در ایجاد متوجه باشد که اقدامش سبب مقدم را پرمخاطره می‌سازد همچنان سبب مؤخر در حدوث ضامن خواهد بود.

بنابراین در مقام جمع‌بندی بحث باید گفت که در حالت اجتماع طولی اسباب همگی غیرمجاز و اجتماع طولی اسباب برخی مجاز و برخی غیرمجاز حسب مورد اصل بر

مسئولیت سبب مقدم در تأثیر و سبب غیرمجاز است، مگر آنکه سبب مؤخر در حدوث ملتفت و سبب مقدم، غافل باشد که در این حالت سبب مؤخر ضامن خواهد بود. همچنین با توضیحات ارائه شده در خصوص نحوه ثبوت مسئولیت در فرض اجتماع اسباب مجاز توأم با حضور مجاز بزه دیده نیز هرچند با استدلال بیان شده همچنان اصل بر مسئولیت سبب مقدم در تأثیر است لیکن استثنای مطروحه مبنی بر مسئولیت سبب مؤخر در حدوث با حصول شرایط بیان شده در این حالت نیز قابلیت استناد را خواهد داشت.

۵. نتیجه گیری

از بارزترین مصادیق مداخله بزهکار در ارتکاب جرم، دخالت وی به صورت مباشرت یا تسبیب است. در مباشرت، فرد مرتکب مستقیماً و بدون واسطه عرفی و در فرض تسبیب، مرتکب به طور غیرمستقیم مرتکب جرم می شود و همان طور که در این مطالعه به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت در فرض مباشرت، به صرف استناد جرم به رفتار مجرمانه مرتکبی که واجد اهلیت جزایی است، ارکان مسئولیت کیفری و مدنی فراهم خواهد بود، لکن ثبوت ارکان مسئولیت کیفری و مدنی در تسبیب، علاوه بر احراز رابطه استناد، نیازمند احراز تقصیر مرتکب واجد اهلیت جزایی است که قانون گذار در مواد ۵۱۱، ۵۱۲ و ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که مصداقی از دخالت مرتکب در تحقق نتیجه مجرمانه به طریق تسبیب است تلویحاً ثبوت مسئولیت را فرع بر احراز تقصیر مسبب دانسته است.

علاوه بر فرض فوق، ممکن است تحقق نتیجه مجرمانه محصول اجتماع سبب و مباشرت یا محصول اجتماع چندین سبب باشد که نحوه ثبوت مسئولیت در هر مورد تابع احکام جداگانه ای است. در فرضی که تحقق جرم منتسب به سبب و مباشرت است با دو ماده قانونی به ظاهر متعارضی مواجه هستیم. به طوری که حسب ماده ۳۳۲ قانون مدنی که دارای مضمون مشابهی با ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ دارد؛ به عنوان یک اصل کلی، مسئولیت نهایی بر عهده مباشر گذاشته شده است؛ لکن حسب ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در فرض اجتماع سبب و مباشرت، اصل بر مسئولیت عاملی دانسته شده که رابطه استناد بین رفتار وی و حصول نتیجه مجرمانه برقرار شده باشد. به

نظر می‌رسد دلیلی بر نسخ ماده ۳۳۲ قانون مدنی به‌وسیله ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نباشد و به لحاظ مختلف بودن موضوع حکم (یکی در بحث خسارات فاقد جنبه جزایی و دیگری در خصوص جرائم و جنایات) هر کدام در جای خود قابلیت اعمال دارد لکن این اختلاف در ظاهر ماده خدشه‌ای بر اصول و ارکان کلی مسئولیت مرتکب وارد نمی‌سازد چراکه هم در بحث خسارات و هم جرائم، اصل کلی آن است که در فرض اجتماع سبب و مباشر، رابطه استناد متوجه فعل مباشر است، مگر آنکه مباشر فاقد شرایط مسئولیت کیفری باشد که در این فرض، مسئولیت بر ذمه سبب خواهد بود که اهم مصادیق آن در قسمت انتهایی ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده است. همچنین مقنن در ماده مذکور در حالتی که جنایت هم مستند به فعل مباشر و هم مستند به فعل سبب باشد هر دو عامل را به شکل مساوی مسئول دانسته است، مگر آنکه تأثیر رفتار هر عامل متفاوت از دیگری باشد که در این وضعیت قانون‌گذار قائل بر ضمان نسبی برحسب میزان تأثیر متفاوت هر عامل شده است.

همچنین نحوه ثبوت مسئولیت در حالت اجتماع چندین سبب برحسب اینکه اجتماع اسباب به شکل عرضی باشد یا طولی، تابع احکام متفاوتی است. در فرض اجتماع اسباب به شکل عرضی که در واقع تأثیر هر سبب متوقف بر تأثیر سبب دیگری نیست و هر سبب تأثیر مستقل خود را دارد مقنن حسب مواد ۵۳۳ و ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی قائل بر مسئولیت اشتراکی و مساوی بین اسباب دخیل در ارتکاب جرم شده است و همان طوری که مفصلاً مورد بحث قرار گرفت در این فرض امکان توزیع مسئولیت برحسب میزان تأثیر هر یک از اسباب وجود نخواهد داشت چراکه این مورد صرفاً منحصر در فرض ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی یعنی اجتماع سبب و مباشر است و به لحاظ تفاوت در موضوع هر یک، امکان اخذ وحدت ملاک وجود نخواهد داشت و در جریان تصویب لایحه قانون مجازات اسلامی، حکم ضمان متفاوت هر یک از اسباب برحسب میزان تأثیر در تحقق جرم در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۰۹ از سوی شورای نگهبان خلاف شرع دانسته شد، فلذا در فرض اجتماع عرضی اسباب، تساوی و اشتراک در مسئولیت به طور مطلق ثابت خواهد بود.

لکن در فرضی که اجتماع اسباب به شکل طولی باشد یعنی اثر هر سبب بافاصله زمانی از سبب دیگر رخ دهد با لحاظ مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی معیارهای

مختلفی در جهت نحوه ثبوت مسئولیت اسباب ارائه گردیده است. به طوری که اگر اسباب طولی همگی قاصد بوده و واجد سوءنیت در تحقق نتیجه مجرمانه باشد، حالت شراکت در جرم محقق شده و طبق ماده ۱۲۵ و مواد ۳۶۸ لغایت ۳۷۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات هر شریک، مجازات فاعل مستقل بوده و تابع احکام شراکت در جرم خواهیم بود. لکن اگر اسباب طولی، واجد قصد ارتکاب جرم نباشند بایستی مجاز یا غیرمجاز بودن هر سبب را بررسی نماییم. به طوری که اگر برخی از اسباب مجاز و برخی غیرمجاز باشد حسب ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی سبب غیرمجازی که با تعدی و تفریط ایجاد شده است ضامن خواهد بود. اما در فرضی که اسباب غیر قاصد همگی مجاز یا همگی غیرمجاز باشد قانون گذار قائل بر مسئولیت سبب مقدم در تأثیر شده است؛ یعنی سببی ضامن دانسته شده که اثر آن زودتر از سایر اسباب بروز یافته است ولو ایجاد آن سبب مقدم یا مؤخر بر سایر اسباب باشد. البته همان طور که به تفصیل بیان شد مسئولیت سبب مقدم در تأثیر در فرض اجتماع اسباب طولی مجاز فرع بر آن دانسته شد که حضور بزه دیده در آن محل غیرمجاز (بدون اجازه صاحب اذن یا خلاف قانون) نباشد، در غیراینصورت حسب قاعده فقهی اقدام و مدلول ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی ضمانی متوجه اسباب مجاز غیر قاصد نخواهد بود. قانون گذار به عنوان یک استثناء در فرض اجتماع اسباب غیر قاصد برخی مجاز و برخی غیرمجاز در حصول نتیجه مجرمانه در ادامه ماده ۵۳۶ قانون مذکور بیان داشته است که: «... اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.» هر چند این استثناء در ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است اما به لحاظ منطبق بودن این استثناء با عدالت و انصاف قضایی، می توان آن را تعمیم به سایر موارد اجتماع طولی اسباب از جمله اجتماع اسباب غیر قاصد غیرمجاز یا اسباب غیر قاصد مجاز در فرضی که حضور بزه دیده در محل حادثه مجاز نیست نمود و رویه قضایی نیز تابع هدایت به این تفسیر منطقی را دارد.

منابع

۱. آقای نی، حسین، **جرائم علیه اشخاص**، انتشارات میزان، چاپ پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵.
۲. اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، انتشارات میزان، چاپ شانزدهم، پاییز ۱۳۹۷.
۳. باریکلو، علی‌رضا، **مسئولیت مدنی**، انتشارات میزان، چاپ هفتم، بهار ۱۳۹۶.
۴. بیات، فرهاد؛ بیات، شیرین؛ **شرح جامع قانون مدنی**، انتشارات ارشد، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۴.
۵. جان نثارکهنه. شهری، علی، **ارکان بزه و بزهکاری در حقوق کیفری ایران**، انتشارات آوا، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۶. حاجی ده. آبادی، احمد، **جرائم علیه اشخاص**، انتشارات میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۶.
۷. حاجی ده. آبادی، احمد، **تغییرات قاعده اجتماع سبب و مباشر با لحاظ آخرین تحولات قانون‌گذاری در ایران (ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)**، حقوق خصوصی، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۱۳-۱۳۲.
۸. حیدری، علی. مراد، **حقوق جزای عمومی**، انتشارات سمت، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۶.
۹. رنجبر، حسین؛ حجازی، مهران؛ **جستارهایی در حقوق جزای عمومی**، انتشارات مجد، چاپ اول ۱۳۹۵.
۱۰. سلیمی، صادق، **چکیده حقوق جزای عمومی**، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۱۱. صادقی، محمدهادی، **جرائم علیه اشخاص**، انتشارات میزان، چاپ بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۴.
۱۲. صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله؛ **مسئولیت مدنی**، انتشارات سمت، چاپ دهم، تابستان ۱۳۹۶.
۱۳. قافی، حسین؛ شریعتی، سعید؛ **اصول فقه کاربردی**، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ شانزدهم، پاییز ۱۳۹۶.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، **وقایع حقوقی**، انتشارات سهامی انتشار، چاپ ششم، ۱۳۹۰.

۱۵. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه مالکیت و مسئولیت، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ چهل و نهم، ۱۳۹۶.
۱۶. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد دوم، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۶.
۱۷. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد چهارم، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۱۸. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اشخاص، انتشارات میزان، چاپ ۱۲، زمستان ۱۳۹۲.



Clarifying the civil responsibility of the cause and master of the crime in Iran's criminal law based on the evolution of the Islamic Penal Code 2013

Nyusha Garhamani Afshar¹, Ali Jan Nisarkohene Shahri²

Received:2022/12/07 Accepted: 2023/03/09

Abstract

Responsibility, in the general sense of law, refers to a person's responsibility for the actions that are customarily attributed to him. Although the purpose of civil responsibility is the obligation of a person to compensate the victim and the purpose of criminal responsibility is to impose punishment on the perpetrator in order to maintain and restore the general order of the society, but there are many thematic commonalities between these two seemingly different concepts. The source of proof of civil liability on another's responsibility comes from the decree of the legislator. However, in order to prove this responsibility, which is the responsibility of someone who directly or indirectly committed a crime or caused damage to another, it is necessary to meet the elements and conditions that are provided in the relevant laws, both civil and criminal. In this study, to explain the elements of the civil responsibility of the cause and the perpetrator in the crime, taking into account the changes that have taken place in the Islamic Penal Code of 2012, and to examine the conflicts between civil and criminal laws in some cases, and also to provide a solution to overcome this conflict in order to form The single judicial procedure has been discussed.

Keywords: civil responsibility, cause, steward, community of cause and steward, legislator.

¹.Member of the Faculty of Islamic Azad University, Urmia branch

²Master's degree in criminal law and criminology of the University of Tabriz - Assistant Prosecutor of Urmia Revolution and General Prosecutor's Office